



## تاثیر قراردادهای بیع متقابل در جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت

سید ابراهیم مهاجران

وکیل پایه یک دادگستری

### چکیده

تعامل شرکتهای بزرگ نفتی با کشورهای دارای منابع نفت و گاز، در قالب قراردادهای مختلفی انجام می پذیرد، با عنایت به اینکه نوع این قراردادها در میزان و کیفیت انتقال تکنولوژی تاثیر بسزایی دارد و از طرفی به دلیل محدودیتهای قانونی موجود در سرمایه گذاری خارجی و کمبود منابع مالی داخلی، متداولترین روش عقد قراردادها در کشورمان بیع متقابل می باشد. قراردادهای بیع متقابل در سالهای اخیر با صنعت نفت و گاز کشورمان گره خورده و قراردادهای متعددی نیز با شرکتهای و سرمایه گذاران خارجی تحت این قالب منعقد شده است. محدودیتهای موجود در قانون اساسی، قانون بودجه و الزامات مجلس برای سرمایه گذاری در کشور، در بخش نفت و گاز سبب گردیده است تا راه های جذب منابع مالی و انتقال تکنولوژی به شیوه های خاص از قراردادهای توسعه نفت محدود گردد. بنابراین باید گفت که اتخاذ این مکانیسم معاملاتی به شکل فعلی آن مولود همین محدودیتهای و الزامات موجود در قوانین ایران است که راه را بر هرگونه سرمایه گذاری خارجی بویژه در این صنعت استراتژیک و حیاتی کشور سد نموده است. قراردادهای بیع متقابل نفتی جزء قراردادهای خرید خدمت محسوب می گردد که توسط طرف خارجی فاینانس یا تامین اعتباری می گردد. در این نوع قرارداد سرمایه گذاری خارجی کلیه وجوه سرمایه گذاری و همچنین نصب تجهیزات و راه اندازی و انتقال تکنولوژی را بر عهده میگیرد و پس از راه اندازی، به کشور میزبان واگذار می کند. در مقابل شرکت ملی نفت تعهد میکند تمام هزینه های سرمایه ای، غیر سرمایه ای، عملیاتی و ... که طرف خارجی جهت انجام عملیات مزبور، متحمل شده است را با بهره مشخص و طی اقساط برابر الزامات از طریق نفت یا گاز حاصله به او باز پرداخت نماید. باید توجه داشت که یکی از عمده ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، مسئله تامین منابع مناسب سرمایه گذاری و چگونگی جذب و نگهداری آنهاست و سرمایه گذاری خارجی در توسعه اقتصادی کشورهای غیرصنعتی یا به عبارت دیگر در کشورهای در حال توسعه عامل حیاتی می باشد. چرا که منابع مالی و داخلی این کشورها فقط درصد کمی از سرمایه لازم را تشکیل می دهد در نتیجه انعقاد قرارداد بیع متقابل در تقویت بنیه ارزی آنها، از جمله انتقال تکنولوژی مدرن و تجهیز و تربیت نیروی کار ورزیده موثر می افتد. بنابراین سعی در تجزیه و تحلیل این مکانیسم معاملاتی و تاثیر آن در جذب سرمایه خارجی را داریم.

**کلید واژه:** نفت، گاز، قراردادهای بیع متقابل، سرمایه گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی، تامین منابع



## مقدمه

صنعت نفت و گاز در جهان بعنوان یک صنعت استراتژیک شناخته می شود و هیچ صنعتی به این اندازه در اقتصاد و تجارت بین المللی موثر نبوده است. این صنعت به دلیل امتیازات منحصر به فرد خود از پر مخاطره ترین و در عین حال پردرآمدترین منابع جهان امروز به حساب می آید. آنچه در مورد منابع می توان گفت این است که تا پایان سال 1389 بیش از 63 درصد از ذخایر شناخته شده نفت جهان در کشورهای خاورمیانه قرار داشته و ایران پس از عربستان با ذخیره ای معادل 137/5 میلیارد بشکه، دومین کشور دارنده ذخایر منابع نفتی در این منطقه حساس و استراتژیک می باشد. و بیش از 40 درصد ذخایر گاز طبیعی دنیا در منطقه خاورمیانه قرار دارد که ایران پس از روسیه با داشتن ذخیره ای معادل 27/74 تریلیون مترمکعب گاز، دومین دارنده منابع گازی جهان است. کشور پهناور ایران اسلامی در موقعیتی بسیار حساس و ممتاز در منطقه و بلکه در جهان قرار گرفته است که به هر دو حوزه نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر دسترسی مستقیم دارد. اکنون که بیش از یک قرن از اکتشاف نفت می گذرد کشور عزیزمان با برخورداری از این مزیت در طول این مدت اقدام به انعقاد قراردادهای متفاوتی با سرمایه گذاران و شرکت های خارجی نموده است و سرمایه گذاران و شرکت های خارجی که پس از انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن نوزدهم پی به اهمیت و ارزش مواد خام به ویژه نفت برده بودند سخت در جستجوی مواد اولیه و تامین منبع انرژی ارزان برای کارخانه جات و موسسات صنعتی نوپا در کشورهای خود بودند و به امید تحصیل امتیازات بهره برداری نفت و دیگر معادن، راهی دیگر کشورهای شدند. قبل از انقلاب اسلامی 25 قرارداد برای اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت و گاز ایران به امضا رسید که چهار قرارداد به صورت امتیازی، یازده قرارداد به صورت مشارکت در تولید و سود و نه قرارداد به صورت خدماتی همراه با ریسک بوده است، اما پس از انقلاب اسلامی تمام قراردادهای امضا شده از نوع قرارداد خدماتی بیع متقابل بوده است. تا قبل از تعریف کردن قراردادهای بیع متقابل در سال 1375، هیچ نوع قرارداد توسعه ای در صنعت نفت ایران وجود نداشت تنها مشارکت خارجی ها حضور پیمانکارانی بود که با منابع مالی از داخل کشور اقدام به فعالیت می کردند که به دلیل هزینه های هنگفت استخراج و بهره برداری از منابع هیدروکربنی، هیچگاه منابع مالی داخلی کفایت این امر را نمی کرده و توسعه میادین نفت و گاز به کندی انجام می گرفت. اولین قرارداد بیع متقابل صنعت نفت ایران در سال 1995 با شرکت نفتی توتال فرانسه برای توسعه میدان سیری انجام گرفت. با روی کار آمدن نهمین دولت ایران و تصمیم جدی به از سرگیری برنامه هسته ای ایران و تقابل کشورهای غربی با این تصمیم سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت نفت ایران کاهش یافت. تحریمهای شورای امنیت علیه ایران و واکنشهای احتمالی از جانب مقامات ایران از جمله دلایلی است که موجب می شود سرمایه گذاران خارجی تمایل به سرمایه گذاریهای کلان در این زمینه نداشته باشند.

## ادبیات و مبانی نظری

### سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران

در این مبحث، تاریخ نفت ایران در دو گفتار جداگانه، که یکی به قبل از انقلاب اسلامی و دیگری به بعد از آن اختصاص دارد؛ اجمالاً بیان میگردد.

### نفت ایران در دوره قبل از انقلاب

صنعت نفت ایران با «قرارداد امتیاز» وارد عرصه جهانی شد. نخستین امتیاز عمده ای که در ایران برای بهره برداری از معادن کشور و از جمله معادن نفت به خارجیان اعطاء شد، به دوره ناصرالدین شاه باز می گردد.<sup>1</sup> این امتیاز در سال 1289 هجری قمری برابر با 1872 به یک تبعه انگلیسی به نام بارون جولوس دورویرتر<sup>2</sup> واگذار شد<sup>3</sup>، مدت قرارداد 70 سال<sup>4</sup> و حوزه امتیاز تمام قلمرو ایران بود. در مقابل قرار

<sup>1</sup> پایان نامه کارشناسی ارشد (نقش قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران در جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی)، نگارش: سراج، استاد راهنما دکتر فیصل عامری، دانشگاه علامه طباطبائی، 1388.

<sup>2</sup> Baron Julius de Router.

<sup>3</sup> .. سعید میرزایی، مسائل نفت ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات قمس، 1384، ص 42.



شد 20٪ از منافع راه آهن، 15٪ از منافع سایر منابع<sup>۲</sup>، و از ابتدای سال ششم 60٪ از درآمد گمرکات (به غیر از اجاره) به دولت ایران پرداخت شود.<sup>۳</sup> امتیاز رویتر (که به باور لرد کرزن از شگفت‌انگیزترین و کامل‌ترین نمونه‌های واگذاری منابع یک کشور به بیگانگان بود<sup>۴</sup>)؛ به واسطه مخالفت‌های داخلی و فشار روس‌ها عملاً به نتیجه نرسید. نخستین امتیازی که صرفاً برای استخراج نفت در قرن نوزدهم از سوی دولت ایران به خارجی‌ان داده شد؛ امتیازی است که در سال 1884 توسط ناصرالدین شاه به یک تبعه انگلیسی به نام آلبرت هوتز<sup>۵</sup> واگذار گردید. این امتیاز برای استخراج نفت مناطق دالکی و قشم به شرکت هوتز داده شد که برای استخراج نفت به حفر چاه در آن مناطق اقدام نمود، اما به نتیجه‌ای دست نیافت. چندی بعد شرکت هوتز امتیاز خود را به شرکت حقوق معدنی بانک ایران<sup>۶</sup> که در سال 1890 به منظور فعالیت در زمینه ذخائر معدنی تشکیل شده بود، واگذار کرد. این شرکت نیز پس از 3 سال کاوش توفیقی پیدا نکرد. با اعلام الغای امتیازات معادن در سال 1899 توسط دولت ایران امتیاز هوتز نیز ملغی شده شرکت حقوق معدنی بانک ایران نیز در سال 1901 منحل گردید.<sup>۷</sup> امتیاز داری در زمان مظفرالدین شاه قاجار (1901) به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام ویلیام ناکس داری<sup>۸</sup> به مدت 60 سال واگذار گردید. طبق ماده 9 این امتیاز، دولت ایران به صاحب امتیاز اجازه تأسیس یک یا چند شرکت جهت استفاده از آن امتیاز را می‌نماید. یک ماه پس از تاریخ تشکیل رسمی شرکت اول، صاحب امتیاز موظف است بیست هزار لیره نقداً و بیست هزار لیره سهم به دولت ایران بدهد؛ و در ضمن سالیانه 16٪ از منافع خالص کمپانی را به دولت ایران بپردازد.<sup>۹</sup> در سال 1903 داری «شرکت اکتشاف اولیه»<sup>۱۰</sup> را با سرمایه 600 هزار لیره استرلینگ تشکیل داد.<sup>۱۱</sup> داری پس از دریافت امتیاز، شماری مهندس و حفار به ایران گسیل داشت و آنها را در چاه سرخ و قصر شیرین به کار گماشت. در سال 1903 نخستین چاه به نفت و دیگر چاه‌ها نیز اندکی بعد به نفت رسید. لیکن میزان نفت آن‌ها از نظر اقتصادی ناچیز بود.<sup>۱۲</sup> در نهایت داری پس از 3 سال کوشش بی‌نتیجه و تحمل مخارج سنگین درصدد فروش امتیاز خود برآمد و اتفاقاً پیشنادهایی نیز از جانب سرمایه‌گذاران آلمانی، آمریکایی و فرانسوی دریافت کرده بود. با این حال، در این زمان، حادثه‌ای رخ داد که سرنوشت امتیاز داری را تا سال‌های بعد به شدت تحت تأثیر قرار داد. در سال 1904 لرد فیشر به فرماندهی نیروی دریایی انگلیس منصوب شد. وی ایده‌ای برای جایگزین کردن نفت با زغال سنگ به عنوان سوخت نیروی دریایی انگلیس داشت، بنابراین به سرعت دست به کار شد تا امتیاز از دست انگلیسی‌ها خارج نشود. در این هنگام، یک شرکت سهامی خصوصی به نام «سندیکای امتیازات» تشکیل شد و سهام مربوط به شرکت بهره‌برداری اولیه را که توسط داری تشکیل شده بود، مالک گردید.<sup>۱۳</sup> پس از هفت سال در 26 مه 1908 (5 خرداد 1287 هـ.ش) درحالی که ناامیدی صاحبان شرکت را فراگرفته بود، مته حفاری در مسجد سلیمان در عمق 360 متری به نفت رسید. این چاه با وسایل ساده آن زمان حفر و بهره‌برداری از آن از سال 1911 (1290 هـ.ش) با تولید روزانه 500 بشکه آغاز گردید.<sup>۱۴</sup> در سال 1909 شرکت نفت ایران و انگلیس<sup>۱۵</sup> جایگزین شرکت سندیکای امتیازات شد و با سرمایه دو میلیون لیره در لندن به ثبت رسید.<sup>۱۶</sup> پس از تلاش‌های گسترده لرد فیشر برای تبدیل سوخت کشتی‌های

1. ماده 2 و 12 و 19 قرارداد.

2. ماده 12 قرارداد.

3. ماده 19 قرارداد.

4. George, N. Curzon, Persia and the Persian Question, Vol. 1. (London 1822), p. 98

5. Albert Hots.

6. Persian Bank mining right corporation.

7. دکتر ایرج ذوقی، نفت ایران، تهران: انتشارات پازنگ، 1370، ص 44.

8. William Knox Dowry.

9. ماده 10 قرارداد داری.

10. First exploration company.

11. میرطیب موسوی و علیرضا امینی، نفت: سیاست - اقتصاد، تهران: نشر، خط سوم، 1380، ص 41.

12. ناصر فرشادگهر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصادی 1381، ص 50 و مصطفی فاتح، 50 سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام، 1358، ص 260.

13. سعید میرترابی، پیشین، ص 46.

14. ناصر فرشادگهر، پیشین، صص 50-51.

15. Anglo Persian oil company.

16. مصطفی فاتح، 50 سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام، 1358، ص 260.



جنگی انگلیس به نفت، بالاخره در سال 1913 دولت انگلستان تصمیم گرفت تا طرح لردفیش را عملی سازد. وزارت دریاداری انگلستان پس از اطمینان از اینکه منابع ایران قادر به تأمین نفت مورد نیاز دریاداری انگلیس می باشد، قراردادی را با شرکت نفت ایران و انگلیس در تاریخ 20 مه 1914 منعقد ساخت که به موجب آن دولت انگلستان با 2 میلیون و دویست هزار لیره سرمایه گذاری و تصاحب 51٪ سهام شرکت، بزرگترین سهامدار آن و دارای حق نظارت کامل بر شرکت گردید. این تحول شرکت نفت ایران و انگلیس را از صورت یک شرکت خصوصی بازرگانی و انتفاعی انگلیس در ایران خارج کرده و آن را به صورت بازوی پر قدرت سیاسی و اقتصادی و استراتژیک امپریالیزم انگلستان و وسیله استعمار در منطقه درآورد. در طول سالهای جنگ جهانی اول دو اختلاف بزرگ میان دولت ایران و کمپانی نفت ایران و انگلیس به وجود آمد. هر دو اختلاف از نحوه تعبیر و تفسیر امتیاز نامه اصلی داری ناشی می شد. یکی از مسائل را دولت ایران پیش کشیده بود و دیگری را کمپانی نفت ایران و انگلیس، مشکلی که ایران داشت بر سر ماده 10 امتیاز نامه داری<sup>1</sup> بود. طبق مقررات این ماده، شرکت و تمام شرکتهایی که تأسیس می گردند موظف هستند 16٪ از منافع خالص سالیانه خود را به دولت ایران بپردازد. دولت ایران معتقد بود که طبق این ماده، همه شرکتهای و حتی آن شرکتهایی که در خارج از خاک ایران تأسیس شده و فعالیت دارند می بایست این 16٪ را بپردازند<sup>2</sup>، در حالی که شرکت نفت ایران و انگلیس مدعی بود که مقصود از ماده 10 امتیاز داری فقط شرکت هایی است که در ایران و تحت اداره مستقیم امتیاز داری فعالیت دارند. اما مسئله ای که توسط کمپانی نفت ایران و انگلیس مطرح شده بود، راجع به خساراتی بود که هنگام جنگ جهانی اول در فوریه سال 1915 عمال آلمانی و ترک در خوزستان نفوذ کرده و با تحریک اعراب منطقه خوزستان و توسط آن ها قسمتی از خط لوله نفت شرکت را در خوزستان قطع کرده و خساراتی به بار آوردند. در حالی که به موجب ماده 14 امتیاز نامه داری دولت ایران متعهد می باشد که از تأسیسات، اموال و تأمین امنیت کارمندان شرکت نفت ایران و انگلیس محافظت نماید. و لذا شرکت نفت ایران و انگلیس مدعی بود ایران باید خسارات ناشی از قطع شدن لوله نفت را به مبلغ 500 هزار<sup>3</sup> لیره بپردازد. دولت ایران نیز معتقد بود که اولاً خرج تعمیر و مرمت این لوله ها حداکثر 20 هزار لیره است، به علاوه این خسارت مربوط به ایران نبوده و با توجه به اقدامات دول متحارب صورت گرفته که یکی از آن ها بریتانیاست. شرکت نفت ایران و انگلیس برای اینکه دولت را وادار به قبول حرف خود کند از پرداخت حق الامتیاز خودداری ورزید<sup>4</sup>.

دولت ایران برای رسیدگی و حل اختلافات مالی موجود، شخصی به نام سیدنی آرمیتاژ اسمیت<sup>5</sup> را به عنوان مستشار مالی ایران براساس قرارداد 1919 ایران و انگلیس استخدام شده بود، طی یک نامه رسمی در 29 اوت 1920 (1298 هـ.ش) به عنوان نماینده ایران برای رسیدگی به حل اختلافات روانه لندن کرد. و در نتیجه چهار ماه مذاکره با اولیای کمپانی، در 22 دسامبر 1920 قراردادی را به نمایندگی از دولت ایران با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد نمود که به نام «قرارداد آرمیتاژ اسمیت» معروف گردید<sup>6</sup>. کمپانی نفت با امضای این قرارداد، ادعای دریافت خسارت قطع لوله های نفت را پس گرفت و بابت اقساط عقب افتاده حق الامتیاز به ایران مبلغ یک میلیون لیره پرداخت کرد. اما ایران از دریافت منافع حاصله از شرکت های تابعه محروم کرد و از پرداخت 16٪ سود خالص سالیانه تقریباً تمامی شرکت های تابعه خود را به ایران معاف شد<sup>7</sup>. با این حال، دولت ایران قرارداد آرمیتاژ اسمیت را هیچگاه تصویب نکرد و بعداً مدعی شد این قرارداد قانونی نبوده زیرا اسمیت حق انعقاد قرارداد را با کمپانی نداشته است بنابراین مورد قبول ایران نیست. در سالهای 1926

<sup>1</sup> ماده 10 (بین صاحب امتیاز از یک طرف و شرکتهایی که تشکیل می کنند از طرف دیگر قرارداد خواهد شد که یک ماه بعد از تاریخ تأسیس رسمی شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ 20000 لیره انگلیسی نقداً و 20000 لیره دیگر سهام پرداخت شده به دولت عالی بدهد. علاوه بر آن، آن شرکت و تمام شرکت هایی که تأسیس خواهند شد مکلف خواهند بود که از منابع خالص سالیانه خود 16٪ به دولت عالی به سال کارسازی نماید) ناصر فرشاد گهر، پیشین، ص 46.

<sup>2</sup> میرطیب موسوی و علیرضا امینی، پیشین، ص 48.

<sup>3</sup> محمدعلی موحد، نفت ما و مسائل حقوقی ما، تهران، انتشارات خوارزمی، 1357، ص 61.

<sup>4</sup> میرطیب موسوی و علیرضا امینی، پیشین، ص 50.

<sup>5</sup> Sydney Armitage Smith.

<sup>6</sup> بنیامین شوادران، خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1354، ص 27.

<sup>7</sup> مصطفی علم، نفت، قدرت و اصول، ترجمه غلامحسین صالحیار، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، 1371، ص 50.



تا 1930 حق امتیاز ایران یک سیر صعودی داشته ولی در سال 1931 با این ادعا که عایدات نفتی کاهش یافته<sup>1</sup>، حق امتیاز ایران نسبت به سال های قبل کاهش فوق العاده یافت. دولت ایران ضمن اعتراض به شرکت نفت ایران و انگلیس از قبول و دریافت حق امتیاز سال 1931 خودداری کرد و اعلام داشت امتیاز داری 1901 منافع دولت ایران را تأمین نمی کند. در پی این اختلافات پیش آمده در ششم آذرماه 1311 (27 نوامبر 1932) حسن تقی زاده وزیر دارائی ایران در نامه ای به آقای جاکس مدیر شرکت نفت ایران و انگلیس، الغای یک جانبه امتیاز داری را اعلام کرد. در مقابل دولت انگلستان در 14 دسامبر 1932 شکوائیه ای را علیه ایران به دبیرکل جامعه ملل تسلیم داشت و خواستار آن شد تا به موجب ماده 15 میثاق جامعه ملل موضوع اختلاف را برای رسیدگی در دستور کار شورای جامعه ملل قرار دهد.<sup>2</sup> به پیشنهاد جامعه ملل و توافق طرفین دکتر ادوارد بنش وزیر امور خارجه چکسلواکی مأمور مذاکره با نمایندگان ایران و شرکت نفت به منظور کوشش و دفع اختلاف گردید. «بدین ترتیب، مذاکرات بین ایران و کمپانی نفت که در آوریل 1933 (1312 هـ ش) آغاز شد و در 29 آوریل 1933 منجر به عقد قرارداد جدید نفتی گردید که به نام قرارداد 1933 معروف است، که به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در نتیجه دکتر بنش به عنوان میانجی در 5 ژوئن 1933 ضمن گزارش نهایی از شورای جامعه ملل درخواست کرد تا موضوع اختلاف بین ایران و دولت انگلستان را پایان یافته تلقی نماید.»<sup>3</sup>

### نفت ایران در دوره بعد از انقلاب

با وقوع انقلاب اسلامی در سال 1357 و تصویب قانون اساسی و حاکم شدن جو انقلابی، به سرمایه گذاری خارجی به دیده تردید نگریسته شد. قانون اساسی نیز ظاهراً هرگونه قرارداد امتیاز، شرکت و ... را ممنوع دانست. به همین دلیل شرکتهای بزرگ نفتی به سبب مخاطرات و ریسک های موجود از سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران خودداری کردند. سهمیه صادراتی ایران در اوپک نیز به دلیل عدم تولید کافی کاهش یافته و به سایر اعضا واگذار شد تا اینکه قانون نفت 1366 با ابهامات فراوان به تصویب رسید. از آنجا که به موجب این قانون و همچنین محدودیت ها و الزامات مقرر در قانون اساسی، انعقاد قرارداد در قالب های معاملاتی سابق ممنوع تلقی می شد و از طرف دیگر از ارز معتبر جهت خرید تسهیلات و تکنولوژی نوین جهت استخراج و بهره برداری میادین نفت و گاز وجود نداشت، همچنین استقراض خارجی نیز گذشته از مغایرت با احکام شرعی به دلیل بهره کلان و لزوم سپردن تضمینات سنگین، برای کشور غیر ممکن یا فوق العاده مشکل بود، دست اندرکاران امور به فکر نوعی تأسیس حقوقی به نام بیع متقابل (Buy back) افتادند که ضمن نداشتن مشکلات فوق، امکان جلب سرمایه گذاری خارجی را با کمترین بار مالی در سطح وسیعی در این صنعت حیاتی فراهم سازد، با تصویب این سیستم معاملاتی تا اندازه ای راه ورود سرمایه گذاری خارجی باز شد و قراردادهای بسیار مهمی با سقف های بودجه ای میلیاردی با شرکت های خارجی منعقد گردید. اگر چه مطابق قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب 1381/3/4 بیع متقابل را نمیتوان به عنوان راهکار سرمایه گذاری مستقیم خارجی<sup>4</sup> تلقی کرد اما حداقل میتوان گفت که این چارچوب حقوقی به طور غیرمستقیم، شیوه مناسبی برای فعال سازی و جلب سرمایه گذاری خارجی در این بخش استراتژیک (نفت و گاز) با توجه به محدودیتهای قانونی، سیاسی و اقتصادی موجود به حساب می آید.

### بررسی قراردادهای رایج در صنعت نفت و گاز

بطور کلی ترتیبات قراردادی در بخش نفت و گاز به دو گروه دسته بندی می شوند:

الف: سیستم های امتیازی<sup>5</sup>؛ ب: سیستم های قراردادی<sup>1</sup>

<sup>1</sup> . غلامرضا نجفی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1331، چاپ پنجم، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1368، صص 22 و 23.

<sup>2</sup> . دکتر ایرج ذوقی، نفت ایران، تهران، انتشارات پازنگ، 1370، صص 126-130.

<sup>3</sup> . فؤاد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1352، ص 64.

<sup>4</sup> سرمایه گذاری خارجی طبق عرف تجاری بین المللی متضمن مالکیت، اداره انحصاری و مدت نامحدود برای سرمایه گذار خارجی است.

<sup>5</sup> Concessionary systems





سیستمهای امتیازی گونه های متنوعی از قراردادهای امتیازی را در بر می گیرند، قراردادهای چه در شکل سنتی آن که تا قبل از دهه ی 1950 میلادی به کارگرفته می شد و دامنه و نوع امتیاز بسیار گسترده تر بود و چه در شکل تغییر یافته آن که از دهه ی یاد شده به بعد به فرمول تسهیم 50/50 منجر شد، در این گروه جای می گیرند. سیستم های قراردادی را می توان در دو گروه قراردادهای مشارکت در تولید<sup>2</sup> و قراردادهای خدماتی<sup>3</sup> دسته بندی کرد. قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری<sup>4</sup> را نیز می توان گونه ی پیشرفته تری از قراردادهای مشارکت در تولید به شمار آورد. قراردادهای خدماتی نیز در سه گروه قراردادهای صرفاً خدماتی<sup>5</sup>، قراردادهای خدماتی توأم با خطرپذیری<sup>6</sup> و قراردادهای خدماتی بیع متقابل<sup>7</sup> دسته بندی می شوند.

### قراردادهای بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل در سالهای اخیر به عنوان مهمترین وجه مشخصه صنعت نفت و گاز ایران درآمده است و قراردادهای متعددی نیز با کمپانیها و سرمایه گذاران خارجی تحت این قالب منعقد شده است. اتخاذ این مکانیسم معاملاتی به شکل فعلی آن را می توان مولود محدودیت ها و الزامات قانونی، سیاسی، اقتصادی موجود در ایران دانست که راه را بر هر گونه سرمایه گذاری خارجی بویژه در این صنعت استراتژیک و حیاتی کشور سد نموده اند<sup>8</sup>. بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران تا اندازه ای با مفهوم متعارف آن در تجارت متقابل بین المللی فرق دارد. قراردادهای بیع متقابل در صنایع نفت و گاز در حقیقت حالتی خاص از قراردادهای «خرید خدمت» است. در قرارداد بیع متقابل که عموماً در طبقه قراردادهای خرید خدمت دسته بندی می شود، شرکت سرمایه گذار خارجی کلیه وجوه سرمایه گذاری همچون نصب تجهیزات، راه اندازی و انتقال تکنولوژی را برعهده می گیرد و پس از راه اندازی به کشور میزبان واگذار می کند. بازگشت سرمایه و همچنین سود سرمایه شرکت سرمایه گذار از طریق دریافت محصولات تولیدی صورت می پذیرد<sup>9</sup>. این قراردادها به طور معمول بین شرکت های ملی نفت که حق بهره برداری از منابع نفتی حوزه سرزمینی معینی را داشتند و شرکت های خارجی منعقد می شد. به موجب این قراردادها شرکت خارجی متکفل اکتشاف و ارزیابی مخازن و میادین نفتی می شد و در صورت کشف یک میدان تجاری، پیمانکار موظف به بهره برداری و در صورت لزوم توسعه میدان بود. شرکت تنها زمانی می توانست هزینه های سرمایه گذاری و خدمات خود را دریافت نماید که میدان به تولید تجاری برسد و در این صورت مبالغ مذکور نقداً به شرکت پرداخت می شد، اما اغلب شرکت محق بود که سهمی از نفت تولیدی را با تخفیف خریداری نماید<sup>10</sup>. برخی از حقوقدانان ایرانی این نوع قرارداد را به «تھاتر تولیدی<sup>11</sup>» و برخی دیگر، به «توافق باز خرید محصول<sup>12</sup>» ترجمه کرده اند اما در متون قانونی، این قرارداد به عنوان «بیع متقابل» شناخته شده است<sup>13</sup>.

### پیشینه تاریخی بیع متقابل در ایران

زمینه اصلی شکل گیری بیع متقابل در بخش های غیر نفتی را می توان در محدودیت های خشک و سخت قوانین حاکم در خصوص واردات کالا، تسهیل وام از منابع مالی خارجی جهت خرید تسهیلات مورد نیاز و نیاز شدید به تکنولوژی جدید و مدیریت کارآمد خارجی در بخشهای گوناگون صنایع پتروشیمی، نساجی، معادن، فلزات و ... دانست. به عبارت دیگر این بخشها برای ادامه حیات اقتصادی و

<sup>1</sup> Contractual systems

<sup>2</sup> Production sharing contracts

<sup>3</sup> Service contracts

<sup>4</sup> Joint venture

<sup>5</sup> Pure service contracts

<sup>6</sup> Risk service contracts

<sup>7</sup> Buy back contracts

<sup>9</sup> گروه نویسندگان، کالبدشکافی سرمایه گذاری های صنعت نفت (قرائنهایی بیع متقابل)، تهران، 1380، ص 35

<sup>10</sup> حقوق قراردادهای بین المللی نفت، دکتر مسعود امانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، 1389، ص 28

<sup>11</sup> نصیری، دکتر مرتضی، «حقوق چند ملیتی»، انتشارات امیرکبیر، تهران 1370، ص 213.

<sup>12</sup> کلاپوم، اشمیتوف، حقوق تجارت بین الملل، جلد اول، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ اول 1378، ص 251.

<sup>13</sup> صابر، دکتر محمدرضا، بیع متقابل در بخش بالا دستی نفت و گاز، انتشارات دادگستر، تهران 1389، ص 67



صنعتی خود در آن شرایط راهی جز توسل به سیستم بیع متقابل نداشتند با اینکه گفته می شود حدود 50 تا 60 کمپانی خارجی تحت این نوع قرارداد در ایران مشغول فعالیت هستند و حدود 200 قرارداد بیع متقابل غیر نفتی با این شرکت ها بویژه در فاصله سالهای 1996 تا 2000 منعقد شده است.<sup>1</sup> اما به دلیل اینکه مقامات مسئول در این معاملات از اعلام اطلاعات مربوط به این قراردادها خودداری می کنند. لذا نسبت به نخستین قراردادها و شرایط حاکم بر آنها اطلاعات بسیار اندکی وجود دارد. قراردادهای نفتی بیع متقابل را می توان تداوم روند تحولاتی دانست که در انواع قراردادهای نفتی ایران از سیستم امتیاز به عاملیت و از عاملیت به مشارکت و بویژه در تبدیل مشارکت به قراردادهای خرید خدمت پیمانکاری روی داده است و قراردادهای فعلی بیع متقابل شکل تغییر یافته ای از همین قراردادهای خرید خدمت گذشته می باشد.

### ماهیت قراردادهای بیع متقابل

در این گفتار به دنبال این پاسخ این پرسش هستیم که آیا می توان تأسیس «بیع متقابل» را که ترجمه اصطلاح (Buy back) که خود نیز غلط مصطلحی می باشد در زمره بیع به معنای مصطلح در نظام حقوقی ایران دانست یا اینکه خود نهادی نوین می باشد؟ ماده 338 قانون مدنی ایران بیع را بدین عبارت تعریف کرده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم» از این تعریف که از فقهاء گرفته شده سه ویژگی تملیکی بودن، معوض بودن و عین معین بودن مبیع فهمیده می شود. منظور از تملیکی بودن عقد بیع این است که انتقال مبیع به خریدار و ثمن به فروشنده با ایجاب و قبول واقع می شود. همین که خریدار و فروشنده درباره مبادله دو کالا و شرایط آن توافق کردند، مبیع و ثمن خود به خود مبادله می شود و نیاز به کار دیگری ندارد.<sup>2</sup> معوض یعنی عین مالی که فروخته می شود و با مال دیگر که امروز به طور معمول پول است مبادله می شود. این وصف بیع را از تمام انواع عقود رایگان ممتاز می سازد. زیرا در این گونه قراردادهای مالی بدون هیچ گونه عوض به دیگری واگذار می شود یا اگر تعهدی نیز بر انتقال گیرنده شرط شود، بین این تعهد و موضوع اصلی همبستگی بوجود نمی آید.<sup>3</sup> همچنین از تعریف ماده 338 قانون مدنی استفاده می شود که مبیع باید عین باشد و عین عبارت از مالی است که وجودی مادی و محسوس دارد و بطور مستقل مورد دادوستد قرار می گیرد.<sup>4</sup> اما چهارمین ویژگی که در این تعریف وجود ندارد اما حقوقدانان آن را از جمله ویژگیهای این عقد به شمار می آورند لازم بودن عقد بیع است.<sup>5</sup> حال با توجه به مطالب عنوان شده پیرامون مفهوم بیع در حقوق داخلی، در اینجا به تبیین و توضیح مفهوم و ماهیت بیع متقابل پرداخته می شود. در آغاز ضروری است درمورد تجارت متقابل که اعماز بیع متقابل است گفته شود که «مجموعه ای از روشهای تجاری است که در آن صادرکننده یا واردکننده، تعهد می نماید در ازاء کالا یا خدمات صادره به کشور خریدار یا وارده از کشور فروشنده، خدماتی را به ارزش کل معامله یا بخشی از آن خریداری یا صادر نماید.»<sup>6</sup> لازم به ذکر است که بیع متقابل به عنوان یکی از شیوه های تجارت متقابل<sup>7</sup>، از سوی دیگر کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا نیز به شرح زیر تعریف شده است:<sup>8</sup> «در این شیوه موضوع معامله اولیه عبارت است از ماشین آلات، تجهیزات، حق اختراع، اکتشاف و دانش فنی یا کمکهای فنی (تجهیزات / تکنولوژی) که به منظور نصب و استقرار تسهیلات تولیدی برای خریدار مورد استفاده قرار خواهد گرفت و وفق توافق طرفین فروشنده متعاقباً تولیدات به دست آمده از تسهیلات تولیدی مذکور را از خریدار اولیه امتیاع می کند.»

<sup>1</sup> Buy back projects in Iran by Atieh Bahar consulting-september. 2007-p.44.

<sup>2</sup> کاتوزیان، دکتر ناصر، «دوره ی عقود معین»، ج 1، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، 1378.

<sup>3</sup> کاتوزیان، منبع پیشین، ص 36.

<sup>4</sup> منبع پیشین، ص 41.

<sup>5</sup> منبع پیشین، ص 43.

<sup>6</sup> اشرف زاده، حمیدرضا، مجموعه آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، 1370، ص 234.

<sup>7</sup> counter trad.

<sup>8</sup> حسن بیگی، ابوالفضل، نفت های بک و منافع ملی، انتشارات آوای نور، تهران، 1381، ص 7.



کلمه (Buy back) را بیشتر نویسندگان به بیع متقابل یا خرید متقابل ترجمه نموده اند و حتی در متون قانون گذاری در این مورد به همین عنوان ذکر گردیده است به عنوان مثال آئین نامه چگونگی قراردادهای بیع متقابل غیر نفتی مصوب 1379، قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب 1380/12/19 و همچنین آئین نامه اجرایی شیوه قراردادهای بیع متقابل (درمورد ماده 14 برنامه چهارم توسعه) مصوب 1384/04/15 و ... نویسندگان حقوقی نیز همین اصطلاح «بیع متقابل یا خرید متقابل» را برای ترجمه Buy back در نوشته های خود استفاده کرده اند.<sup>1</sup> به نظر می رسد که ترجمه «توافق باز خرید یا پس خرید محصول» از سایر ترجمه ها رساتر و با ماهیت این قرارداد نیز سازگار باشد.<sup>2</sup> اما از آن جا که اصطلاح «بیع متقابل» در بیشتر موارد به جای Buy back استفاده می شود ما نیز همین عبارت را به تبعیت از عرف جامعه بکار می بریم. بیع متقابل را نمیتوان در هیچ کدام از قالب های حقوقی سنتی داخلی (عقود معین) و نهادهای دیگر خارجی جای داد. و از طرف دیگر بیع متقابل خود یکی از اقسام «تجارت متقابل» می باشد که با انواع دیگر تجارت متقابل نیز فرق دارد و از لحاظ شرعی آن چیزی که اهمیت دارد، «ترازی مشروع طرفین» می باشد که بنا به نظر بیشتر فقهای متأخر نیازی نیست در قالب عقود معین بشد و همین که مفهوم عرفی عقد مصداق پیدا کند، شارع با آن مخالفتی ندارد البته ارکان دیگر عقد (مانند مشروعیت جهت و...) مختل نباشد. بطور کلی اصطلاح «بیع متقابل» که در مقابل واژه خارجی بای بک قرار گرفته است، واژه ای کاملاً گمراه کننده است که با ماهیت این قرارداد به هیچ وجه سازگاری ندارد و شاید واژه ی «توافق باز خرید محصول» که در ترجمه کتاب تجارت بین الملل نوشته کلایو ام شمیثوف آمده، از همه اصطلاحات فارسی موجود، مناسب تر و با ماهیت خاص بیع متقابل نیز تولیدی بین کالاها و خدمات صادراتی و کالاها و خدمات باز خرید شده، می باشد را به خوبی نشان می دهد. و از سوی دیگر این قرار داد را باید نهاد نوینی دانست که شرایط مخصوص به خود را دارد که ممکن است در قراردادهای دیگر، چه نهادهای داخلی و چه نهادهای خارجی یافت نشود.

### جایگاه قراردادهای بیع متقابل در جذب سرمایه گذاری خارجی

شیوه های تأمین مالی خارجی، غالباً به دو روش استقراضی و غیراستقراضی انجام می گیرد. در روش قرضی، بازپرداخت منابع وارد شده به کشور بدون قید و شرط و بدون توجه به نتیجه و عاقبت استفاده از این منابع، تعهد و تضمین می شود و حدود مبلغ اعتبار، مدت بازپرداخت آن و سایر شرایط از جمله نوع تضمین مورد درخواست اعتباردهنده بستگی به ارزیابی وی نسبت به موقعیت، عملکرد، توانایی و ... اعتبار گیرنده دارد.<sup>3</sup>

### تأمین مالی پروژه<sup>4</sup> (فاینانس)

در تأمین مالی خارجی به روش پروژه ای، ملاک اصلی برای تأمین کننده منابع مالی خارجی، برخلاف سایر روش های معاملات جبرانی از جمله روش های بیع متقابل و خرید متقابل، اقتصادی بودن طرح می باشد. چنانچه مطالعات امکان سنجی طرح به لحاظ اقتصادی مثبت باشد، تأمین کننده منابع مالی، بدون مشارکت مستقیم در سهام، منابع لازم را به صورت نقدی و غیر نقدی در اختیار واحد مورد نظر قرار می دهد و در مقابل، محصولات تولید طرح را بعنوان مابه ازای اصل و سود مورد توافق دریافت می نماید.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> ر.ک: گروه نویسندگان، کالبد شکافی سرمایه گذاری صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)، انتشارات کویر، تهران 1380، کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا، قراردادهای نمونه در تجارت بین الملل، (قراردادهای بین المللی خرید متقابل) ترجمه حمید رضا اشرف زاده، ویرایش سوم، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، جلد اول، آبان 1372.

<sup>2</sup> کلایو ام، شمیثوف، حقوق تجارت بین الملل، جلد اول، ترجمه شده زیر نظر دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ اول، 1378، ص 251.

<sup>3</sup> قاسمی، سامان، بررسی راه های تجهیز و توسعه منابع مالی خارجی، مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ش 25-26، آبان و آذر 1382، ص 35.

<sup>4</sup> با اقتباس از کتاب سرمایه گذاری و روش های تأمین منابع مالی خارجی، تألیف زهی، نقی؛ علی پور، علیرضا؛ غفارپور، داود؛ معاونت اقتصادی سازمان اقتصادی و دارایی آذربایجان شرقی، سال 1384، ص 222.

<sup>5</sup> قاسمی، سامان، بررسی راه های تجهیز و توسعه منابع مالی خارجی، منبع پیشین، ص 46.



## معاملات جبرانی<sup>۱</sup>

اگر قرارداد ناظر بر مبادله کالا با کالا<sup>۲</sup> یا کالا با خدمات<sup>۳</sup> باشد، از نظر حقوقی، این امر، قرارداد فروش محسوب نمی‌شود، بلکه تهاتر است، مثل اینکه شکرکوبا در قبال پیچ صنعتی تولید شده در بریتانیا مبادله شود.<sup>۴</sup> این معاملات به مجموعه روش‌هایی از منابع مالی خارجی اطلاق می‌گردد که در آن تأمین‌کننده منابع مالی خارجی بدون اینکه در سرمایه‌سهمی شرکت سرمایه‌پذیر مشارکت مستقیم داشته باشد با در اختیار گذاردن منابع مالی نقدی و غیرنقدی، برگشت منابع و سرمایه خود را از طریق دریافت محصول تولیدی یا معادل ارزی تسویه می‌کند.<sup>۵</sup>

## سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی به دو شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)<sup>۶</sup> و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی (FPI)<sup>۷</sup> صورت می‌گیرد.<sup>۸</sup> سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌ای متضمن مناسبات بلندمدت و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقیقی و یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی خارج از موطن سرمایه‌گذار.<sup>۹</sup> برخی دیگر از ویژگی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بدین گونه توصیف کرده‌اند؛ لازم است سرمایه‌گذار خارجی حضور فیزیکی داشته باشد و با قبول مسئولیت مالی و پذیرش ریسک در سود و زیان، احتمالاً «کنترل و اداره واحد تولیدی را نیز مستقیماً» در دست داشته باشد. به این ترتیب سرمایه‌گذار بطور مستقیم در اجرای فعالیت‌های تولیدی نقش مؤثر دارد.<sup>۱۰</sup> سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به انواعی تقسیم می‌شود که از حوصله این اثر خارج است.<sup>۱۱</sup>

## عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی

اکنون که مشخص گردید بیع متقابل یکی از انواع تأمین منابع خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد، می‌بایست در اینجا مهمترین عوامل مؤثر بر جذب این سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گیرد.

**الف. محیط کسب و کار:** بخش خصوصی داخلی و خارجی نیازمند محیط کسب و کار مناسب برای فعالیت است. هر قدر این محیط مناسب و از امنیت برخوردار باشد، خطرهای تجاری و غیرتجاری سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های تولیدی، کمتر و هزینه‌های مبادله در اقتصاد پایین‌تر خواهد بود. بی‌اغراق می‌توان با نویسندگانی موافق بود که معتقدند یکی از مشکلات اساسی اقتصادی در ایران در مورد بعد از انقلاب اسلامی، فقدان محیط مناسب برای کسب و کار است.<sup>۱۲</sup>

**ب. عوامل طبیعی:** این عوامل از جمله مهمترین عوامل به شمار می‌آیند که باعث می‌شود سرمایه‌گذار از کشور خود خارج گردیده و برای سرمایه‌گذاری به کشور دیگر روی آورد. در زمینه مسائل نفت و گاز همان‌طور که میدانیم ایران از لحاظ منابع، یکی از بزرگترین

<sup>۱</sup>. COMPENSATION TRADE.

<sup>۲</sup>. EXCHANGE OF GOODS FOR GOODS.

<sup>۳</sup>. EXCHANGE OF GOODS FOR SERVICES.

<sup>۴</sup>. کلاپو، اشمیتوف، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد اول، ترجمه شده زیر نظر دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.

<sup>۵</sup>. قاسمی، سامان، منبع پیشین، ص ۴۲.

<sup>۶</sup>. FOREIGN DIRECT INVESTMENT.

<sup>۷</sup>. FOREIGN PORTFOLIO INVESTMENT.

<sup>۸</sup>. زهی، نقی؛ علی‌پور، علیرضا؛ غفارپور، داود؛ منبع پیشین، ص ۲۴۰.

<sup>۹</sup>. United Nations conference on trade and development, unclad (1996), world investment report, p. 195.

<sup>۱۰</sup>. بهکیش، محمدمهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، انتشارات نشرنی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۴.

<sup>۱۱</sup>. زهی، نقی؛ علی‌پور، علی‌رضا؛ غفارپور، داود؛ منبع پیشین، ص ۲۴۲.

<sup>۱۲</sup>. زهی، نقی؛ علی‌پور، علی‌رضا؛ غفارپور، داود؛ منبع پیشین، ص ۲۴۴.



کشورهای دنیا می باشد و می دانیم که یکی از کارسازترین و بنیادی ترین حوزه هایی که می توان بخش خصوصی را وارد کرد بخش نفت و گاز و انرژی کشور است، به دلیل اینکه این بخش اشتباهی زیادی به سرمایه و سرمایه گذاری دارد. یکی از بهترین گزینه ها، وارد کردن سرمایه گذار خارجی همگام با سرمایه گذار داخلی به این بخش است. گفته می شود برای دستیابی به تولید هفت میلیون بشکه نفت و کسب ده درصد از تجارت گاز جهان، به صد میلیارد دلار سرمایه گذاری در ده سال آینده نیاز دارد؛<sup>1</sup>

**ج. عوامل قانونی:** از مهمترین عوامل که می تواند مانع سرمایه گذاری خارجی در کشور گردد فقدان، ضعف و عدم کفایت قوانین و مقررات درمورد این نوع سرمایه گذاری می باشد؛ در این حالت سرمایه گذار خارجی احساس امنیت برای سرمایه گذاری نمی کند. از دیگر مشکلات در این زمینه، عدم حمایت قوانین داخلی برای جذب سرمایه گذاری است. در این جا به برخی از این ابهامات و کاستی های قانونی اشاره می شود و بررسی کامل تر قوانین به مبحث جایگاه قراردادهای بیع متقابل در قوانین و مقررات موکول می گردد.

### طرفهای سرمایه گذاری خارجی

در سالهای پس از جنگ تحمیلی که سازندگی کشور در اولویت ویژه قرار داشت و نسبتاً رونق گرفت، ضرورت سرمایه گذاری خارجی بیش از پیش احساس شد و قوانین و مقررات متعددی جهت استفاده از تسهیلات مالی سرمایه گذاران خارجی در قالب قراردادهای فاینانس، یوژانس، بیع متقابل و یا دیگر شیوه های مالی وضع و تصویب گردید.<sup>2</sup> در ماده 1 آئین نامه اجرایی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی (مصوب 1378/1/11) زمینه های معینی که شعبه یا نمایندگی یک شرکت خارجی (اشخاص حقوقی خارجی) میتواند براساس آن در ایران به فعالیت مشغول شود، به صورت حصری در هفت بند شمرده شده که ذیلاً به طور مختصر توضیح داده میشوند.<sup>3</sup>

1. ارائه خدمات بعد از فروش کالا یا خدمات شرکت خارجی.

2. انجام عملیات اجرایی قراردادهای منعقد بین اشخاص ایرانی و شرکتهای خارجی.

3. بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران.

4. همکاری با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشور ثالث.

5. افزایش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران.

6. ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فناوری.

7. انجام فعالیتهایی که نیازمند مجوز از دستگاه دولتی ذی صلاح است.

### نتیجه گیری

ناگفته پیداست که بحث جذب و جلب سرمایه گذاری خارجی از زمانهای گذشته و پس از انقلاب اسلامی مورد توجه دست اندرکاران امور نفت و گاز بوده و پس از انقلاب اسلامی نیز استمرار داشته و دارد و با تصویب قوانین بودجه و برنامه پنج ساله توسعه و نیز قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در سال 1381 سرمایه گذاری ها به روش بیع متقابل و فاینانس برای اجرای طرح های اکتشاف و توسعه و بهره برداری از نفت و گاز مجاز شمرده شد. دلیل استفاده از این چهارچوب قراردادی را می توان در محدودیتهای

<sup>1</sup> شبکه اطلاع رسانی نفت انرژی (شانا) گروه مقاله، 1384/8/16، (www.shana.ir)

<sup>2</sup> ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات سمت، تهران، 1383، چاپ اول، ص 289.

<sup>3</sup> جهت مطالعه بیشتر ر.ک: ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، منبع پیشین، ص 302 به بعد.



قانونی و تنگناهای موجود در زمینه سرمایه گذاری خارجی، فقدان کارشناسان و متخصصان فن و بحرانهای اقتصادی و سیاسی دانست. آنچه که واجد اهمیت است اینست که بدانیم بیش از یک صد سال از عمر تولید نفت در کشور ما می گذرد و در این مدت به یکی از تولیدکنندگان بزرگ این طلای سیاه تبدیل شده ایم و مهمترین و اصلی ترین منبع درآمد ایران از راه صادرات و فروش نفت و گاز تحصیل می شود. بنابراین مطالعه در مورد چگونگی شناسایی تولید و فروش در قالب قراردادهای مختلف لازم و ضروری می نماید؛ چرا که یک قالب قراردادی ممکن است منجر به سرمایه گذاری بیشتر، تولید بیشتر و در نتیجه افزایش درآمدهای ارزی کشور و رونق اقتصادی و اجتماعی شود و در مقابل قالبهای قراردادی دیگر همه ثروتهای طبیعی را که تنها متعلق به نسل کنونی نمی باشد به یغما برده و جامعه و کشور را سالهای سال از رونق اقتصادی و اجتماعی دور نگه دارد. در تاریخ تحولات کشورمان، نفت همواره مؤلفه ای مؤثر در روند تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی روابط خارجی بوده است. برخی از ویژگیهای صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به تکنولوژیهای پیچیده ی کشورهای صنعتی و شرکت های چند ملیتی، وابستگی به سرمایه گذاری کلان برای اکتشاف و استخراج، گستره و عمق تأثیرگذاری این ماده را بر سرنوشت ملی بیشتر کرده است و همین ویژگیهای صنعت نفت است که باعث ورود خارجی ها به این صنعت گشته و تاریخ صنعت نفت ایران را رقم زده است.

### منابع

پایانامه کارشناسی ارشد (نقش قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران در جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی)، نرگس سراج، استاد راهنما دکتر فیصل عامری، دانشگاه علامه طباطبائی، 1388.

سعید میرترابی، مسائل نفت ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات قمس، 1384، ص 42.

Georje, N. Curzon, Persia and the Persian Question, Vol. 1. (London 1822), p. 98.

دکتر ایرج ذوقی، نفت ایران، تهران: انتشارات پاژنگ، 1370، ص 44.

میرطیب موسوی و علیرضا امینی، نفت: سیاست - اقتصاد، تهران: نشر، خط سوم، 1380، ص 41.

ناصر فرشادگهر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصادی 1381، ص 50 و مصطفی فاتح، 50 سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام، 1358، ص 260.

مصطفی فاتح، 50 سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام، 1358، ص 260.

میرطیب موسوی و علیرضا امینی، پیشین، ص 48.

محمدعلی موحد، نفت ما و مسائل حقوقی ما، تهران، انتشارات خوارزمی، 1357، ص 61.

بنیامین شوادران، خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1354، ص 27.

مصطفی علم، نفت، قدرت و اصول، ترجمه غلامحسین صالحیار، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، 1371، ص 50.

غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1331، چاپ پنجم، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1368، صص 22 و 23.

دکتر ایرج ذوقی، نفت ایران، تهران، انتشارات پاژنگ، 1370، صص 126 - 130.

فؤاد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1352، ص 64.

حقوق قراردادهای بین المللی نفت، دکتر مسعود امانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، 1389، ص 28

نصیری، دکتر مرتضی، «حقوق چند ملیتی»، انتشارات امیرکبیر، تهران 1370، ص 213.

کلاپوم، اشمیتوف، حقوق تجارت بین الملل، جلد اول، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ اول 1378، ص 251.

صابر، دکتر محمدرضا، بیع متقابل در بخش بالا دستی نفت و گاز، انتشارات دادگستر، تهران 1389، ص 67

Buy back projects in Iran by Atieh Bahar consulting-september. 2007-p.44.

کاتوزیان، دکتر ناصر، «دوره ی عقود معین»، ج 1، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، 1378 .

اشرف زاده، حمیدرضا، مجموعه آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی- اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، 1370، ص 234.

حسن بیگی، ابوالفضل، نفت بای بک و منافع ملی، انتشارات آوای نور، تهران، 1381، ص 7.

کلاپوم، اشمیتوف، حقوق تجارت بین الملل، جلد اول، ترجمه شده زیر نظر دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ اول، 1378، ص 251.

قاسمی، سامان، بررسی راه های تجهیز و توسعه منابع مالی خارجی، مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ش 25-26، آبان و آذر 1382، ص 35.

زهی، نقی؛ علی پور، علیرضا؛ غفارپور، داود؛ منبع پیشین، ص 240.

United Nations conference on trade and development , unctad (1996), world investment report, p, 195.

بهکیش، محمدمهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، انتشارات نشرنی، 1381، ص 294.

ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات سمت، تهران، 1383، چاپ اول، ص 289.